

## حسنعلی خان امیر نظام

تا آغاز دوره ماهنوز مهم‌ترین هنر نویسندگان نامه‌نویسی بود. یکی از لوازم این کار این بود که خوشنویس هم باشد و مخصوصاً در خطی که در این موارد بیشتر بکار میرفت و آن «شکسته نسخ تعلیق» می‌گفتند هنرمند باشند و برخی از ایشان شیوه خاص بخود داشتند. آخرین کسانی که در این دو کار بر همه برتری داشتند و انشا و خطشان سر مشق دیگران بود و همه میکوشیدند از روش ایشان پیروی کنند حاج میرزا علی خان امین‌الدوله و حسنعلی خان امیر نظام بودند.

در باره حسنعلی خان امیر نظام که به حق یکی از نویسندگان بزرگ روزگار خود بوده تا کنون بحث کافی نکرده‌اند. میرزا علی اکبر منشی و قایع نگار پسر میرزا عبدالله منشی باشی از خانواده قادری کردستان که در شعر افسر تخلص کرده است کتابی در تاریخ کردستان بنام «حدیقه ناصریه» در ۱۳۰۹ قمری به پایان رسانیده است. این کتاب در زمانی به پایان رسیده که حسنعلی خان حکمران کردستان بوده و شاید وی بیشتر در تألیف آن مؤثر بوده باشد. درین کتاب شرح حال منصلی ازین مرد دانشمند هست و چون با همه فوایدی که دارد هنوز چاپ نشده است آن شرح حال را عیناً در این صحایف نقل می‌کنم:

... چون شاهنشاه دل آگاه (ناصرالدین شاه) از سیات اعمال او (میرزا محمدخان اقبال‌الملک پسر میرزا بابای حکیم باشی حکمران سابق) اطلاع یافت در پنجم شهر جمادی - الاولی ۱۳۰۹ هجری دست اختیار او را از حکومت کردستان کوتاه فرمود و حسنعلی خان امیر نظام را که شخصی نجیب و از خاندان بزرگ و وافی و کفایت و در کفایت و خدمت شخص اول دولت است برای حکومت کردستان و کرمانشاهان و گروس و سرحداری عراقین منتخب و مأمور نمود. چون اختتام و اتمام این رساله ناصریه بمهد صاحب اختیاری و حکمرانی آن امیر صاحب‌اقتدار منتهی شد مؤلف را لازم آمد بمقتضای وضع تاریخ نویسی ابتدای شرح

ایام زندگانی آن امیر بزرگ و بیان سلسله خانواده او را و خدمتی که بدولت کرده است برشته تحریر کشد. پس از آن انشاءاله بمرو و دهورو واقعات مدت حکمرانی آن پسر دادند. اگرچه رسم دیرینه تاریخ نگاران قدیم و جدید است که در عهد هر صاحب حکمی تاریخ را بنویسند شرح احوال آن صاحب حکم را جز بخوبی ذکر و بیان نمی نمایند ولی این بنده بی مقدار که علی اکبر منشی وقایع نگار هستم با کمال جرأت ازین مطلب ادعا میکنم که بجز راستی قلمی بر ندارم و بنیر درستی قدمی نگذارم.

خدایم گواهد است و خلقم گواه که از راستی روز من شد سیاه

استدعا از مطالعه کنندگان این نامه دارم که اگر در بسط القاب و ملاحظه تاریخ نگاری سهل انگاری شود و اگر در طی مقال بمقتضای عدم تربیت زبان درازی برود قلم غفور نواقص بکشند و نواقص را بکمال خود برده پوشی نمایند، که مقصود حقیر نگاشتن تاریخ است نه تحریر تمریف و توصیف.

ذکر نسب و حسب و خدمات حسنعلی خان امیر نظام بدولت ایران - حسنعلی خان  
 امیر نظام از خانواده بزرگ دولت ایران است و اجداد او در سلطنت پادشاهان تیموریه و صفویه و افشاریه و زندیه و قاجاریه که هر یک در قرن صاحب تاج و تخت ایران بوده اند هروقت دارای شأن و اعتبار و علاوه بر این که حکومت ولایت گروس همیشه با آنها بوده چند نفر از آنها نیز در ممالک مشهوره ایران حکومت کرده اند. از جمله لطفعلی خان جد پنجم او در عهد شاه سلیمان صفوی حاکم قم و خلیجستان و حسنعلی خان ایشیک آغاسی باشی نادر شاه جد چهارم او و محمد امین خان جد سوم او در عهد سلطنت کریمخان زند حاکم کرمان و نجفعلی خان جد او در عهد سلطنت فتحعلی شاه قاجار حاکم اردبیل و بیگلربیگی دارالسلطنه تبریز و در ایام محاربه دولت روس با دولت ایران در سنه ۱۲۲۴ هجری یکی از سر کرده های قشون نواب شاهزاده عباس میرزای ولیعهد دولت ایران بود و در آن مأموریت خدمتها و رشادتهای کلی از او ظاهر گشت و شایسته انواع تمجید و امتیاز شد و در مدت سی سال حکومت خودش با جهدی کامل در آبادی و ترقی ولایت گروس کوشید و قصبه بیجار را که دارالحکومه آن ولایتست وسعت کلی داد و قلعه او را تجدید کرده عمارات عالیه و آثارهای بزرگ بنیاد نمود و بعد از او پسرش محمد صادق خان پدر حسنعلی خان امیر نظام مدت نوزده سال از روی اقتدار حکمرانی کرد.

ولایت گروس و دارالحکومه آنجا همواره یادخواهند داشت اهتماماتی را که محمد صادق خان در آبادی آن ولایت مبذول داشت. مع القصه حسنعلی خان امیر نظام در سنه هزار و دو بیست و سی و شش هجری در قصبه بیجار که دارالحکومه ولایت گروس و وطن قدیم خانواده اوست تولد یافته، خانواده او یکی از خاندانهای قدیم معروف ایران و بیشتر از هفتصد سالست که حکومت و ریاست ولایت گروس با اجداد او بوده. حسنعلی خان امیر نظام پس از آنکه از کتم عدم بهره و وجود آمد در ظل رأفت و حمایت پدر بزرگوار نشو و نما نموده هم از

عهدشباب برای اقتدار و تأسی بکارهای بزرگ پدران خود حاضر شده ، در سنه ۱۲۴۵ هجری بواسطه معلمین اهل ولایت خودش در قصبه بیجار بمدرسه رفته ، مدت هشت سال بمقتضای علوم مشغول گشت . در سنه ۱۲۵۲ برای افتخار خانواده که شایسته مراعات دولت بودند محمدشاه در سال سوم جلوس خودش حسنعلی خان امیر نظام را در حالتی که هیجده ساله بوده بمسرت سرنگی فوج گروس داخل خدمت نظامیه کرده ، در همین سال با اردوی بزرگ محمدشاه بمحاصره هرات رفت و بعد از مراجعت از آنجا در سنه ۱۲۵۵ در ایام ایالت شاهزاده قهرمان میرزا در مملکت آذربایجان با فوج گروس بمخدمات نظامیه شهر تبریز مأمور گشت و در مدت یک سال تکالیف خدمت خود را کاملاً مجری داشت در سنه ۱۲۵۷ با فوج گروس بانظام حدود و خدمات نظامیه کرمانشاهان مأمور گشت و مدت دو سال در آن نواحی اقامت کرد و بعد از مراجعت ازین سفر بنا بر مقتضیات چند در اوایل هزار و دوویست و پنجاه و نه از خدمت استعفا کرده ، مدت پنج سال بکارهای شخصی خود مشغول بود . در سنه ۱۲۶۴ در سال اول جلوس اعلی حضرت ناصرالدین شاه باردیگر بمسرت سرنگی فوج گروس داخل خدمت نظامیه شد و در سنه هزار و دوویست و شصت و پنج بانواب شاهزاده سلطان مراد میرزا احسام السلطنه بانظام مملکت خراسان و تسخیر مشهد مقدس که بواسطه اغوا و سرکشی محمد حسنخان سالار از دولت ایران باغی گشته بودند مأمور گشت و در ایام محاصره مشهد خدمات نمایان و باحرکات رشادت آمیز چند دفعه سنگرهای اهالی مشهد را بزور حمله و سرنیزه سر باز خودش تصرف نمود . بعد از تسخیر مشهد مقدس و انقضای مدت خدمت در اوایل ۱۲۶۶ بنا بحکمی که از دولت باورسیده بود مراجعت کرد ، با فوج گروس بطهران آمد ، چون خدمات او درین سفر پسند خاطر اعلی حضرت ناصرالدین شاه افتاده بود او را بنشان اول سرنگی مکمل بالماس و حمایل سفید مخصوص افتخار داد . در اول سال هزار و دوویست و شصت و هفت بدفع فتنه جماعت بابیه که مذهب تازه اختراع کرده و در شهر زنجان باکمال جسارت برضد دولت ایران برخاسته ، فتنه عظیمی بر پا کرده بودند مأمور شد و این جماعت هفت ماه بود که در مقابل پنج هزار نفر قشون ایران و اسلحه حربیه آنها از روی رشادت مقاومت کرده ، باستیونها و تحصنات مستحکمه برای خود ترتیب داده بودند . حسنعلی خان امیر نظام با یک فوج گروس در برابر آن جماعت متمصب رشادت و تدبیرات فوق العاده بکار برده ، در مدت بیست و پنج روز سنگرها و تحصنات سخت آنها را بحمله های پی در پی تصرف کرد و ملامهر علی رئیس آن جماعت با ششصد نفر از اتباع او بقتل رسید و وطنیان آن طایفه فرونشست . حسنعلی خان امیر نظام بواسطه این خدمت بزرگ بر مراتب اشتهاار خود افزوده ، اعلی حضرت ناصرالدین شاه در ازای این خدمت او را بمنصب ژنرال و نشان اول سرتیپی بانشان و حمایل سرخ افتخار داد و اداره فوج دویم گروس را که تازه داخل خدمت شده بودند نیز بر او مقرر فرمود . هم در این سال با فوج جدید گروس که قراول خاصه پادشاهی بودند در رکاب اعلی حضرت ناصرالدین شاه از طهران باصفهان رفت . در این سفر نیز خدمات اومستحسن و قبول افتاد ، مایه مزید ترقی و اعتبار او گشت . اما در مراجعت ازین

سفر بواسطه صدماتی که در سفرهای متواتره بر او وارد آمده بود ضعف قلب و ناخوشی بر او عارض گردید و در آن اثنا حکم احضاری که از جانب دولت ایران به او رسیده بود در سنه ۱۲۶۹ با دو فوج گروس بلسکرگاه بزرگ سلطانیه که مجتمع قشون ایران بود رفت و از آنجا در رکاب اعلی حضرت ناصرالدین شاه عازم طهران شد. در ایام توقف طهران ناخوشی مزاج او اشتداد یافته و در سنه ۱۲۷۰ رخصت یافت بگروس آمد و بمعالجه مشغول شد. بعد از اندک توقفی با نقاهت مزاجی که داشت بقصد زیارت عازم کربلا و نجف شد. در مراجعت از آنجا باردیگر حکم احضار او رسیده، در اوایل ۱۲۷۱ با دو فوج گروس بخدمات نظامیه و انتظام شهر مشهد مقدس مشغول بود. در سنه ۱۲۷۲ حکم مجدد باو رسید و با شاهزاده سلطان مراد میرزای حسام السلطنه بتسخیر هرات مأمور شد. حسنعلی خان امیر نظام که بواسطه هوش و امان نظر صاحب منصب مجرب مهدبی بود درین موقع فرصتی یافته، مهارتها و تدابیر جنگ خود را درین سفر بوجه کامل و درجه اعلی بکار برده، اولاً در خارج شهر هرات چند دفعه با قشون افغان تلافی کرده، در جمیع موارد قرین نصرت و ظفر شد. در ایام محاصره نیز یکی از نقاط مهم قلعه هرات در مقابل افواج او واقع شده بود، امیر نظام بواسطه محللای متواتره و تدابیر مستحسنه همه موانع را از پیش برداشته، اعمال نظامیه افواج خود را از قبیل تحصنات قوریه و مارپیچ و خط متوازی و پشتوان و غیر ذلک پیش از سایر ژنرالها بخندق رسانید. وقتی هم که قلعه هرات بتصرف عساکر دولت ایران آمد اول بیرقی که بر فراز برج و باره هرات نصب شد بیرق افواج گروس بود. امیر نظام بعد از تصرف هرات بحکم شاهزاده سلطان مراد میرزا حسام السلطنه مدت سه ماه بحفظ انتظام و محارست شهر هرات مشغول گشت. درازای باشتهار او اعلی حضرت ناصرالدین شاه او را بمنصب ژنرال آجودانی و نشان میر پنجه شرف امتیاز ارزانی داشت و در سنه ۱۲۷۳ که فی مابین دولتین ایران و انگلیس بعد از محاربه مصالحه واقع شد اعلی حضرت ناصرالدین شاه امیر نظام را لایق و سزاوار داشته، بیفداد فرستاد و سفارت دولت انگلیس را بطهران مراجعت داد. حسنعلی خان امیر نظام در این سفر باردیگر زیارت کربلا و نجف قرین سعادت گشته، از راه کرمانشاهان و همدان بطهران آمد و از اعلی حضرت ناصرالدین شاه بسرکشی خانواده و دیدن ولایت خودش رخصت یافت. اما شش ماه بیشتر طول نکشید که حکم احضار او رسید و در سنه ۱۲۷۴ با دو فوج گروس بطهران رفت و از جانب دولت ایران یکی از عمارتهای مخصوص دولتی را که در جنب عمارت پادشاهی واقعست برای منزل او معین کرده، اداره امورات نظامیه شهر طهران و محارست قصرها و عمارات و خزاین پادشاهی که یکی از خدمتهای بزرگ دولت ایرانست بمهده او محول نمودند و مدت یکسال بروجه شایستگی بملازومات این خدمت مشغول شد. وقتی که رأی اعلی حضرت ناصرالدین شاه بفرستادن سفارت مقیمی بدربار دولتین فرانسه و انگلیس قرار گرفت حسنعلی خان امیر نظام را لایق و سزاوار این خدمت بزرگ دانسته، در سنه ۱۲۷۵ او را بسمت وزیر مختاری باقامت دربار دولتین فرانسه و انگلیس مأمور کرد. اجزای این سفارت مشتمل بود بر حاجی محسن خان سرهنگ مستشار و میرزا علی بنقی نایب اول و میرزا صادق خان نایب دوم

و نظر آقای مترجم و میرزا بزرگ دفتردار محرم فارسی، همه این صاحب‌منصبان و اشخاص قابل و از نخبهای ملت ایران بودند که اعلی حضرت ناصرالدین شاه آنها را منتخب کرده بود و زبان فرانسه را خوب حرف میزدند. در این فرصت اعلی حضرت ناصرالدین شاه که هم‌مش بترقی و تربیت ملت ایران معروفست چهل و دو نفر از نجیب‌زادگان ایران را بریاست عبدالرسول خان سرهنک و «میرزا الکسندر خودزکوه» که یکی از معلمین مدرسه فرانسه است برای تحصیل علوم و صنایع منتخت کرده، به پاریس فرستاد. حسنعلی خان امیر نظام دوشنبه ۸ شعبان ۱۲۷۵ از حضور اعلی حضرت اقدس ناصرالدین‌شاه مرخص شده، برای سرکشی خانواده و تدارک سفر خود از طهران بگروس آمد و بعد از اندک توقفی بپاریس رفت و از آنجا باتفاق همه صاحب‌منصبان و جوانان ایرانی که من حیث المجموع چهل و هفت نفر بودند از راه خوی و ارزنة الروم و طرابوزان باسلامبول و از آنجا به ماری آمده، ششم محرم ۱۲۷۶ مطابق ششم ماه او ۱۸۵۹ مسیحی در ساعت پنج بهداز ظهر وارد پاریس شدند. حسنعلی خان در چهاردهم همین ماه در عمارت «سن کلو» شرفیاب حضور ناپلئون سوم شده، مأموریت خود را عرض و ابلاغ نمود و بعد از ادای تکالیف رسمیه چهل و دو نفر متعلمین را به مدرسه ها و کارخانجات معروف پاریس و سایر ممالک مشهوره فرانسه فرستاد. در ترتیب امور و فراهم آوردن اسباب تربیت آنها مساعی موفوره مبذول داشت و در همان ایام بحکم اختیاری که از اعلی حضرت ناصرالدین شاه باو داده شده بود عهدنامه دوستی و تجارتی فیما بین دولتین ایران و دانمارک را با وزیر مختار آن دولت امضاء کرد و بدین واسطه دارای نشان درجه اول «رانبروک» شد. بعد از آن نظر بمأموریتی که داشت در پنجم ربیع الاول ۱۲۷۶ مطابق غره نوامبر ۱۸۹۵ از پاریس عازم لندن شد و در پانزدهم همین ماه مطابق یازدهم نوامبر باتشریفات لایقه که از جانب دولت انگلیس برای پذیرایی او مقرر شده بود باتفاق همه صاحب‌منصبهای سفارت در قصر «ویندزور» شرفیاب اعلی حضرت «ویکتوریا» ملکه ممالک انگلستان شد مأموریت خود را عرض کرد. بعد از سی و چهار روز اقامت در لندن نظر بمأموریتی که داشت بروکسل پایتخت دولت «بلژیک» رفته، در سیزدهم جمادی الاولی مطابق نهم دسامبر نامه و هدیه اعلی حضرت ناصرالدین شاه را باعلی حضرت «لئوپولد» پادشاه بلژیک تقدیم کرد و از جانب آن دولت علاوه بر تشریفات بزرگ و احترامات شایسته که نسبت باو مجری و معمول شد بنشان «لئوپولد» از درجه اول قرین افتخار و مباهات گشته، بعد از هیجده روز اقامت در بروکسل به پاریس مراجعت کرد. حسنعلی خان امیر نظام میل مفراطی پارباب علوم داشت و به همین جهت بعد از یکسال اقامت در پاریس که طریقه تحصیل و تربیت اطفال فرانسه را پسندیده بود دوست داشت که پسر خود و چند نفر دیگر از خانواده و اهل ولایت خود را مثل اطفال فرانسه تربیت نماید. لهذا بعموی خودش زین‌العابدین خان حاکم گروس نوشت. او نیز بدون تأخیر یحیی خان پسر حسنعلی خان امیر نظام و ابوالقاسم خان پسر خود را با دو نفر دیگر از گروس به پاریس فرستاد و این چهار نفر هم ولایتی در بیستم ربیع الاول ۱۲۷۷ هجری وارد پاریس شدند.

حسنعلی خان امیر نظام پسر خود و پسر زین العابدین خان عمویش را بمدرسه «دیپ» فرستاد . مراقبت پدرانه در تربیت همه جوانان ایرانی که سپرده حمایت او بودند ظاهر میکرد . در مدت دو سال ترقیات فوق العاده نمودند . حسنعلی خان در ایام اقامت پاریس بنا بر موریتمی که از دولت باورسیده بود در بیست و سوم جمادی الثانی ۱۲۷۷ هجری مطابق پنجم ژانویه ۱۸۶۱ از پاریس به «تورن» رفته ، در سیزدهم ژانویه شرفیاب حضور اعلی حضرت «ویکتورامانول» پادشاه ایتالیا شده ، نامه وهدیه اعلی حضرت ناصرالدین شاه را ابلاغ کرد و از جانب آن دولت نسبت باو پذیرائیها و احترامات بعمل آمد .

اورا بنشان اول «سنت موریس» و «سنت لازار» افتخار دادند . بعد از چهارده روز توقف در «تورن» از اعلی حضرت «ویکتورامانول» رخصت انصراف یافته ، به پاریس مراجعت کرد . در ایام توقف در پاریس علاوه بر ادای تکالیف رسمیه خودش که همیشه در ازدیاد مراوده دولت متبوعه خود بادولت فرانسه سعی میکرد اطلاعات با فایده بدولت متبوعه خود میداد غالب اوقات خود را پدیدن کارخانجات و مدرسهها و مریخانها و سربازخانهها و غیر ذلك مصروف می داشت و همه آنها را با ممان نظر ملاحظه و مشاهده می نمود و در جزئیات هر چیزی تحقیقات کلی بعمل می آورد . در سفرهای مکرر خودش بانگلستان و بلژیک و ساردنیا بهرجا بیشتر وقت خود را بتحصیل اطلاعات صرف می کرد و چون میل داشت که اکثر ممالک اروپا را سیاحت نماید در اخلاق و عادات مردم و هیأت ممالک اروپا استحضار بهم رساند . در پانزدهم محرم ۱۲۷۸ مطابق بیست و نهم و ۱۸۶۱ با صاحب منصبهای سفارت از راه «لیون» بمملکت «سویس» رفته ، اکثر شهرها و اماکن معروف آنجا را سیاحت کرد و در مراجعت از سویس از راه «سترزبورگ» بدیدن اردوی بزرگ «شالون» رفته ، بعد از انقضای هفده روز به پاریس معاودت نمود ، با ادای تکالیف مأموریت خود مشغول گشت و بعد از انجام خدمات مرجوعه و اختتام مدت سفارت او در دولت فرانسه بر حسب استدعای خود حسنعلی خان امیر نظام از سفارت دولتی فرانسه وانگلیس انفصال یافته و در اواخر ۱۲۸۳ هجری بدارالخلافه مراجعت نموده ، چون درین سفر کمال لیاقت و درستی خود را در حضور اعلی حضرت ناصرالدین شاه کاملاً بجلوه ظهور رسانیده و خاطر خطیر آن شهنشا را از طرز خدمات و چاکری خود خرم و خرسند ساخته ، بهمه جهت مورد مراحم و دارای امتیازات گردید و از سلك وزرای شورای کبری دولت ایران منسلك آمد ، در عشر ثانی محرم الحرام ۱۲۸۸ هجری رأی اعلی حضرت ناصرالدین شاه بدین قرار گرفت که بجهت حفظ روابط اتحاد دولتی ایران و عثمانی بعد از مراجعت میرزا حسین خان مشیرالدوله از سفارت مأموری بزرگ در اسلامبول متوقف باشد لهذا امیر نظام را که بصفت کفایت و کاردانی موصوف و در صداقت و درایت مشهور و معروف و از جمله چاکران معرب و از اجله خانوادههای بزرگ دولت ایران بود ب سفارت کبری دولت مفتخر و باقامت اسلامبول مأمور آمد و بوجه اتم و کامل و در نهایت افتخار پس از هر گونه حفظ شئونات و حقوق دولت متبوعه خود این مأموریت عمده را بپایان برده ، بنا بحکم احضاری که از

دولت باو رسیده بود در ۱۲۸۹ هجری بپهران مراجعت نمود و در مراجعت ازین سفر وزارت فواید عامه که یکی از خدمات مهمه دولت ایرانست بمعده کفایت او تفویض و بملقب وزیر فوایدی ملقب آمده و در رمضان ۱۲۸۹ هجری اعلی حضرت ناصرالدین شاه امیر نظام را کراراً بامتحانان کامله ممتحن ولدی التجربه از آزمایش مهندب و مجرب و خالص و بی غش در آمده ، بتسطیح و تنقیح راه صعب المسلك لاریجان تا بلده آمل مأمور نمود. درین مأموریت ذوالفقارخان سرهنگ فوج مهندس با پانصد و پنجاه نفر از فوج مهندس لاریجان بحسنعلی خان سپرده شد. تسویه و تسطیح این راه در ۱۲۸۷ هجری بمعده ژنرال «رپوت کاستر» مهندس نساوی رجوع شد .

این مهندس نامی بامخارجات گزاف که از دولت گرفت بتوسط زنبور کچیان دیوانی و عمله لاریجانی در مدت سه سال قریب بیک فرسخ و نیم ازین راه را در چهار ذرع عرض در نقاط مختلفه صاف و هموار کرد .

حسنعلی خان امیر نظام پس از مأموریت و پرداختن بمقدمات این کار از تاریخ رمضان ۱۲۸۹ هجری الی دوازدهم شهر رجب ۱۲۹۲ هجری که دوسال و دو ماه است بیاری خداوند و اقبال اعلی حضرت ناصرالدین شاه که سایه خداست کاری بدین معظمی و امری بدین مشکلی و راهی بدین سختی که یازده فرسخ مسافتست بروجهی که در همه جا هر نوع کالسکه واراده و سواره و پیاده بسرعت و سهولت از آنجا عبور نماید ساخته و پرداخته و بانجام رسانید. هر کس حالت اولیه و وضع حالیه این راه را دیده و می بیند قریب حیرت و عبرت می گردد . بعلاوه تسطیح و تنقیح این راه از امامزاده هاشم تا هلامه سپهر پنجاه و سه بند بسته . این بندها که در امتداد این مسافت در کنار رودخانه هراز و دیگر نقاط بست شخص مهندس کامل و با انصاف میدانند که تمام این امورات کثیره درین مدت قلیله تاچه مرتبه بر علم و دانش و کفایت و مراقبت حسنعلی خان امیر نظام گواهی میدهد .

قیاس کار از کار پرداز ، بقول شاعر عرب وان آثار فاندل علیناه . پس از اتمام این خدمت بزرگ مورد همه نوع تفقدات اعلی حضرت ناصرالدین شاه گردید و با کمال اعتبار و افتخار بامورات راجعه بوزارت فواید عامه اشتغال ورزید . در شهر سنه ۱۲۹۶ هجری حسنعلی خان بناخوشی صعب الملاجی گرفتار آمد و ناخوشی او بدرجه ای رسید که اطبای حاذق در معالجه اوسراسیمه و حیران گشتند .

حکیم علی الاطلاق بحکمت کامله شفایش کرامت فرمود . برای تغییر آب و هوا بی اجازه اعلی حضرت ناصرالدین شاه روانه بیجار که دارالملك ولایت گروس و وطن مألوف خانواده اوست گردیدند .

در سنه ۱۲۹۷ هجری حسنعلی خان امیر نظام برای دفع فتنه شیخ عبیدالله در معیت میرزا حسین خان سپهسالار اعظم با فوج گروس مأمور ساوچبلاغ مکری شد . بعد از دفع و رفع فتنه شیخ عبیدالله بصواب دید میرزا حسین خان سپهسالار اعظم حکومت ساوچبلاغ و انتظام آن سرحد

که در آن موقع از امورات مهمه و منظور انظار داخله و خارجه بود با و تمویض گردید . در قلیل مدتی آن ملک پر آشوب را منظم و اهالی آنجا را آرامش داد . در سنه ۱۲۹۹ هجری حسنعلی خان امیر نظام حمزه آقای منکر را که خمیرمایه فتنه شیخ عبیدالله بود با هشت نفر برادر زاده و اقوام او که همه از شجاعان و سواران و فتنه جویمان نامی طایفه منکر بودند بقتل رسانید . ملک مکرری را از شر و شرارت آنها ایمن نمود و رؤس منحوس آنها را بدار السلطنه تبریز نزد علاءالدوله امیر نظام سابق فرمان گزار آذربایجان فرستاد و این خدمت او ضمیمه خدمات سابقه اش گردید . مورد مراحم اعلی حضرت ناصرالدین شاه آمد و در همین سال حکومت ارومیه و خوی ضمیمه حکومت ساوجبلاغ مکرری گشته و بکف کفایت او واگذار شد و بلقب سالار لشکری مفتخر گشت .

در ابتدای سال ۱۳۰۲ هجری بمقتضای کفایت و لیاقتی که درین مأموریت ازو بظهور رسیده بود پیشکاری و فرمان گزاری تمام آذربایجان منصوب و بلقب امیر نظامی امتیاز حاصل کرد .

هفت سال کامل در کل آذربایجان فرمان گزار بود و آن مملکت وسیعه را نظمی بکمال داد ، چنانکه خارجه و داخله و دوست و دشمن بر نظم آن ملک و انتظام آن ولایت گواهی میدهند و روزنامه نگاران دول معظمه در صفحات روزنامه های خود از عدل و انصاف و بی طمعی و بی غرضی و خدمات نمایان حسنعلی خان امیر نظام بدولت خویش مشروحات کافیه و بیانات وافیه مندرج نمودند .

اعلی حضرت ناصرالدین شاه در جزای این خدمات و زحمات حسنعلی خان امیر نظام دوش اعتبار اورا بسردوش الماس که از امتیازات خاصه دولت ایرانست زیب و زینت داد . ثانیاً آن پادشاه قدر شناس تا خدمت های حسنعلی خان امیر نظام در روزگار پایدار باشد نشان قدس که از اولین نشانهای دولت ایرانست و در ممالک ایران بجزاز چهار نفر کس دارای این نشان نیست باو مکرمت نمود . حقیر که مؤلف این اوراق هستم درین موقع از روی حقیقت و انصاف می نویسم سزاوارست اینای وطن و ملت و دولت ایران بچنین سرداری در میان دول معظمه روی زمین افتخار نمایند که با قوه خدمت بدولت متبوعه خود و کثرت زحمت و جان فشانی در راه او بنعمت و طی این درجات مهلکه و مشکله باین مقام سترگه نایل و این رتبه بزرگه را حاصل کرده ، نشان و حمایل و لقب و منصب را بگهواره او نیاویخته بودند . مع القصه حسنعلی خان از ابتدای حکومت ساوجبلاغ که در سنه ۱۲۹۸ الی شهر ربیع الاول ۱۳۰۹ بموجب تفصیل امتیازات حمایل و نشان از اعلی حضرت ناصرالدین شاه یافته در حکومت ساوجبلاغ خرقه بطانه سنجاب تن پوش ، بعد از یکسال در ساوجبلاغ سرداری ترمه کشمیری تن پوش با فرمان حکومت سابق قلعه افشار در ارومیه بتوسط خان محقق که یکی از رجال دولتست و شمشیر مرصع امتیاز حاصل کرد .

در تبریز برای اعطای منصب امیر نظامی شمشیر مرصع و خلعت یافت . یکسال بعد قیای نظامی تن پوش با سردوش الماس که از امتیازات خاصه دولت ایرانست قرین امتیاز گردید .



دوسال بعد از دولت نشان قدس با وعنايت شد پس از يك سال باز جبهه شمسه مرصع باو مكرمت ، در طهران برای اعطای سرحداری عراقین شمشیر مرصع باو مرحمت شد و مورد مكارم آن پادشاه آمده ، بعد از دوماه توقف در پنجم شهر جمادی الاول ۱۳۰۹ هجری با انتظام حدودات غربی دولت ایران که بخاك دولت عثمانی اتصال دارند و سرحداری عراقین و نظم و حكمرانی ایالت كردستان و كرمانشاه و گروس و افشار و صابین قلمه که در واقع نظم این سرحدات و انتظام این ایالات از جمله خدمات مهم و امورات عمده دولت ایرانست مأمور و منصوب گردید . روز دوشنبه دوازدهم همین ماه جمادی الاولی از راه گروس بسوی نقاط مقصوده در حرکت آمد . در هنگام حرکت شاهزاده ضیاء الدوله پسر مرحوم بهمن میرزا بنیابت حكومت كردستان نامزد و برقرار نمود . مع القصه حسنعلی خان امیر نظام در بیست و سیم جمادی الاولی بگروس وارد شد . بجهت عارضه ناخوشی برای تصفیة امورات ولایتی پنجاه روز در ملك بیچاره توقف نمود . در دوازدهم شهر رجب همین سال حسنعلی خان امیر نظام از راه خسروآباد گروس و بیلاق كردستان بسوی سمنندج روان شد . حاجی اللهیارخان پسر حاجی محمدرضاخان پسرزاده ابراهیمخان که همین ابراهیمخان عموی حسنعلی خان امیر نظام بوده و در قریه خسروآباد که ملك اوست نهایت پذیرائی از حسنعلی خان امیر نظام بعمل آورده و بمقتضای شوق و شمع که بوجود امیر نظام داشته برای تشریفات او پیش از وقت تهیه آتش بازی مفصلی دیده ، شبانه رسم چراغان و آتش بازی را معمول داشته بعد از دو روز توقف بسوی نقطه مقصود حرکت نمود . در روز چهارشنبه هیجدهم شهر رجب دو ساعت به غروب مانده بشهر سمنندج و قلعه حكومتی آنجا ورود کرد . در كردستان برای حكومت چندین رسومات در سنوات سابقه معمول بوده . حسنعلی خان امیر نظام بمقتضای نیکی نظرت و بلندبندی همت و رعایت عدل و انصاف غالب آنها را موقوف داشت . از جمله حکام سابق در وقت آمدن بکردستان بهره‌دهی که وارد می‌شدند از ضمای بیچاره و فقراي آنجا سیورسات خود و همراهان را می‌گرفتند . حسنعلی خان امیر نظام این فقره را در هیچ يك از منازل قبول ننمود و مخارج لازمه خود و اجزای خود را بقیمت گرفته ، بلکه انعامی نیز بملاوه قیمت آزرغه بمالك آن ملك داده . دیگر آنکه در روز ورود حكومت های سابق دو سه اراده توپ دولتی را بیشتر از نیم فرسخ باستقبال میبردند و بر سبیل اتصال در پیش حاكم شليك می‌کردند . حسنعلی خان امیر نظام این رسم را خلاف و مغایر احترام دولت دانسته ، آنرا موقوف داشت . دیگر آنکه در ورود حكام اهالی شهر و جماعت ارامنه و یهود قریب آنها از گاو و گوسفند در بین راه میکشند . حسنعلی خان امیر نظام این رسم را نیز موقوف کرده . دیگر آنکه پهلوان ولوطی و دراویش و عملة نقاره خانه هريك با دستجات خود باستقبال حكومت میشتاقتند و در جلو حكومت هريك با آداب خود ساز و نقاره و غیره مینواختند . حسنعلی خان امیر نظام این رسم را نیز قبول نکرده و بهريك از آنها انعام مخصوص داده . دیگر اینکه در حكومت های سابق دستجات سرباز و توپچی باستقبال آن حاكم میرفتند و در پیشاپیش حكومت بطور خیابان صف بسته ، تا بشهر می‌آمدند . حسنعلی خان امیر نظام این رسم را هم نپسندید و موقوف داشت ، سرباز و توپچی در کنار شهر صف بسته و سلام نظامی داده ، امیر نظام از میان آنها گذشته و آنها را با

همان حالت بجا گذاشته. دیگر اینکه فراشان حکومت در جلو حکام بصدای مختلف صدا بر می آوردند و باین فراش «برید برید» میکردند. حسنعلی خان امیر نظام این رسم را نیز قدغن نمود. دیگر آنکه همه وقت علمای کردستان تا نیم فرسنگی شهر با استقبال حکومت میرفتند، امیر نظام محض احترام سلسلهٔ علما آنها را از این رسم معاف داشته، مقرر نمود که جمیع علما برای پذیرایی که شرط میزبانیت در اطاق حکومت نشسته، در آنجا رسم پذیرایی را مچری دارند. علی ای حال بعد از آنکه بقلمهٔ حکومتی وارد شدند و در اطاق مقررهٔ حکومتی ورود یافتند. هر یک از علمارا علی قدر مرتبه بیبیانات فصیح و تقریرات ملیح نواختند و یکان یکان را قرین مسرت و شادمانی ساختند. پس از ختم مجلس علما و رفتن آنها امرا و امنای کردستان را عموماً بحضور طلبیده و برسم ایلیت اذن جلوس بهمهٔ آنها داده، بمبارات شیرین با فرداً فرداً آنها لطف را مبذول داشته و آنها را امیدوار و دلگرم نموده و در همین مجلس خلعت نیابت حکومت را بمحمدعلیخان ظفرالملک پوشانیده و فرمان شاهی را که برحسب استدعای خود حسنعلی خان امیر نظام شرف صدور یافته بود باو عطا نمود و فرامین سرتیپی و سرهنگی پسران محمدعلیخان ظفرالملک را بآنها داد. فردای آن روز خلعت پیشکاری وزارت مالیه را بمشیردیوان پوشانیده، انتظام و مراقبت شهر سنندج و سرپرستی و نظم جماعت یهود و نصاری که در سنوات قدیمه شبهه ای از شعبات منصب و کیل الرعایا بود بامان الله خان و کیل که شخص کافی و وافیست سپرده و در واقع حق بمركز اصلی رجوع نمود. همهٔ اهل ملک از وضع بزرگی و رافت حسنعلی خان امیر نظام شکر گزار و امیدوار آمدند، یارب این سایه بسی بر سر اسلام بیای. یکی از علامات خوشبختی اهل ولایت کردستان و نشانهٔ میمنت مقدم حسنعلی خان برای اهل کردستان موقوف شدن انحصار دخانیات بود. عموم اهل مملکت این مطلب را بفال نیک گرفته. بهر صورت علی اکبر خان شرف الملک که در این سال بجهت اغتشاش بلوک بانه مأمور انتظام امورات آن سرحد بود و قریب چهارده ماه در آن سرحد مشغول نظم ولایات و خدمات دولتی شده و انتظام سرحد را بنوع شایان داد. این روزها برحسب احضار امیر نظام بسنندج مراجعت نمود و هم درین ایام محمد خان پسر یونس خان حاکم مقتول بانه که فرارا بتمبریز رفته بود بموجب احضار حسنعلی خان امیر نظام او را تحت الحفظ بکردستان آوردند.

خدای عزوجل را حمد و سپاس می گویم که توفیق تألیف و تلیف این کتاب که مسمی بحدیقهٔ ناصریه است باین عبدذلیل بی بضاعت کرامت فرمود و با کمال راستی این دفتر بپایان آمد. اگر در روزگار از چنگ اجل چندسالی امان یافتم ان شاء الله تعالی واقعات استقبال را ضمیمهٔ این حدیقه خواهم نمود و الا از هموطنان عزیز خواهشمندم که پس ازین تاریخ واقعات این ملک وسیع کردستان را حفظ کرده و آنرا برسییل یادگار بتهجیر آورند که شخص غیرتمند آنست نام وطن و ابنا ی وطن خود را نکذارد پایمال روزگار و دست فرمود چرخ کج مدار شود و این ممکن و میسر نمی شود مگر بیادداشت وقایع اتفاقیهٔ ملک و اهالی ملک، مراد مانصیحت بود و گفتیم. الحمدلله علی اتمامه در آخر این کتاب بجهت زیارت بصیرت مطالعه کنندگان ذکری از طوایف و خانواده های معتبره که در شهر سنندج سکونت داشته و

دارند میرود و بطور اختصار شرح حال بعضی از رجال آنها را ذکر می نماید که در روزگار برای آیندگان تذکاری باشد و این تذییل و تتمیم با اسم ملحقات نام برده می شود و من الله توفیق». آخرین مأموریتی که حسنعلی خان امیر نظام داشته حکمرانی کرمان بوده است و درین زمینه مطالبی در کتاب «فرماندهان کرمان» تألیف حاج شیخ یحیی احمدی کرمانی هست که متن آن با حواشی از آقای دکتر محمد ابراهیم باستانی پاریزی اخیراً در دفترهای ۱-۴ جلد ۱۲ (۱۳۴۳) فرهنگ ایران زمین چاپ شده است.

حسنعلی خان روز جمعه ۱۷ ربیع الثانی ۱۳۱۷ قمری بفرمانروایی وارد کرمان شده و تقریباً پنج ماه پس از آن در همان شهر در ۸۱ سالگی درگذشته است و بنا بر وصیتی که کرده بود پیکرش را در صحن آرامگاه شاه نعمت الله ولی عارف مشهور در ماهان بخاک سپرده اند چنان می نماید که هنگام پیشکاری آذربایجان در زمان ولیعهدی مظفرالدین شاه با سلطان عبدالمجید میرزا عنالدوله که بعدها صدراعظم و اتابک اعظم شده و در دستگاه مظفرالدین شاه نفوذ بسیار داشته روابط خوبی بهم نزده است و عین الدوله پس از جلوس مظفرالدین شاه احترامی را که می بایست با او نکرده و شاید برای اینکه وی از دربار دور باشد حکمرانی کرمان را باو داده اند. مرقدوی اینک در یکی از حجره های صحن آرامگاه شاه ولیست و در ۱۳۳۶ یکی از استانداران کرمان سنگی بر سر خاک او گذاشته است.

وی در اندک زمانی که در کرمان بوده خدمتی که به مردم آن سرزمین کرده اینست که قحط و غلاراکه در ورود او در کرمان بوده از میان برده و خود در نامه ای نوشته است: «در بهار امسال غله خرواری بیست و دو تومان رسید و بر اثر خرید دوهزار خروار غله و حمل بشهر قیمت را بدوازده تومان تنزل دادم».

درنامه دیگری که بحط او مانده مریک خود را چنین پیش بینی کرده است: «چون اعتراف اینست که مدفن من کرمان خواهد بود وصیت کرده ام که مرا در بقعه مقبره شاه نعمت الله ولی دفن نمایند و برای مصارف لازمه مقبره ملکی اتیاع نموده ام که سالی بقدر سیصد تومان بهره اوست. برای مصارف بقعه شریف مرخومان غفران مآب حاجی عبدالوهاب و حاجی محمد حسن رضوان الله علیهما پنجاه تومان از آن را با اسم مقولی آن بقعه مقبره که هر که باشد قرار داده ام که سال آینده خواهد رسید»

ملکی که درین نامه بدان اشاره میکند بنام قدرت آباد در رفسنجان بوده که اینک در آمدی ندارد و مراد از بقعه حاجی عبدالوهاب بقعه بنای خاندان پیر نیاست که از مشایخ نامی زمان خود بوده است.

چنانکه در آغاز سخن اشاره رفت حسنعلی خان امیر نظام نویسنده ای زبردست و خوشنویس بوده و انشاء و خطوی همیشه پسندیده بوده است. آثار وی که از او مانده نخست کتاب کوچکیست بعنوان «پندنامه یحویه» که بسیار روان و استادانه برای پسرش یحیی نوشته و در طهران در ۱۳۱۸ چاپ شده است دیگر مجموعه منشآت اوست که در تبریز در ۱۳۲۱ قمری چاپ کرده اند. تهران - دیماه ۱۳۴۴ - سعید نفیسی

۱- در صفحه مقابل دستخط امیر نظام را که از پاریس برای میرزا سعید خان مشیرالدوله وزیر خارجه وقت فرستاده است ملاحظه میفرمائید

